

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دمیتری مینین-(Dmitriy Minin)

برگردان از: ا.م. شیری

۲۲ جون ۲۰۱۷

اسرار جنگ سوریه : عامل دروزی



در تختمرنگ آشفته جنگ قومی -مذهبی سوریه^(۱) نقش مرموز جامعه دروزی ساکن جنوب کشور به عنوان یکی از پنهانترین اسرار باقی مانده است. شکست طرح پنتاگون (وزارت جنگ امپریالیزم امریکا .م.) دایر بر اشغال جنوب سوریه به کمک "ارتش آزاد سوریه" تا حد زیادی با دستکم گرفتن اهمیت ستراتیژیک عامل دروزی توضیح داده می‌شود.

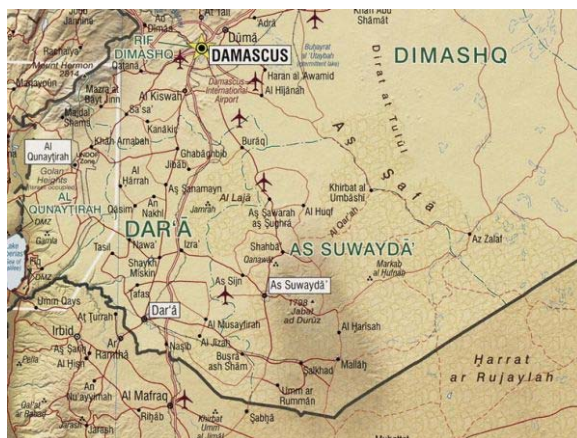


ستاره دروزی

هویت دروزها را در درجه اول، خصلت ویژه دین آنها مشخص می‌کند. این شاخه افراطی شیعه‌گری، به مرور زمان خصوصیات چهار دین دیگر را به خود جذب کرده است. هر چند دروزیان به شهادتین اسلام اذعان دارند، اما اغلب آنها را به طور کلی غیرمسلمان می‌دانند. مثلاً، دروزی‌ها مانند هندوها به تناسخ روح اعتقاد دارند. اگر کسی از میان آنها بمیرد، به معنای این است که در همان لحظه دروزی جدید از همان روح زاده می‌شود. آنها با همان ندای معروف نبرد: "به رحم مادر!" ("من برای مردن و تولد دوباره آماده‌ام!") به حمله دست می‌زنند.

دروزی‌ها به زبان عربی تکلم می‌کنند و خود را "موحدان" می‌نامند. پیامبر و مقدس اصلی آنها یویب عهد باستان (به عبری نیثرو، به عربی شعیب)، پدر زن حضرت موسی می‌باشد. یعنی دروزها خود را منتسب به ادیان باستانی ابراهیمی می‌دانند. دین خود را تبلیغ نمی‌کنند (دروزی‌ها فقط می‌توانند متولد شوند) و کتاب مقدس خود را مخفی نگه می‌دارند. دروزی‌ها به لحاظ خصلتی خویشتندار و سرسخت می‌باشند. رزمندگانی عالی و بی‌باک هستند که هیچ دست‌کمی از کردها - این جنگجویان دیرین ندارند.

دروزی‌ها به وفاداری فوق‌العاده به کشورشان معروفند، که، احتمالاً از غریزه صیانت از خود نشأت می‌گیرد. به این گونه، که دروزی‌های مقیم مناطق داخلی اسرائیل (۱۰۰ هزار نفر) میهن‌پرستان قاطع این کشور هستند، در آنجا در ارتش خدمت می‌کنند و به بالاترین درجات ارتقاء می‌یابند. با این حال، دروزی‌های بلندیهای جولان اشغال شده سوریه توسط اسرائیل (در حدود ۵۰ هزار نفر) پاسپورت‌های سوری خود را از ۶۰ سال پیش تا کنون حفظ کرده‌اند و، به رغم همه وعده‌ها، هیچ تمایلی به قبول تابعیت اسرائیلی ندارند. در حدود ۸۰۰ هزار نفر از مجموع جمعیت تقریباً ۲ میلیون نفری دروزی خاورمیانه شهروندان سوریه هستند. آنها عمدتاً در منطقه کوهستانی سویدا (در جبال الدروز) در جنوب سوریه، نزدیک به نیم میلیون نفر و در منطقه قنیطره در مرز جولان زندگی می‌کنند. همچنین، نواحی کوچکتر دروزی در شمال استان‌های ادلب و دمشق وجود دارند.

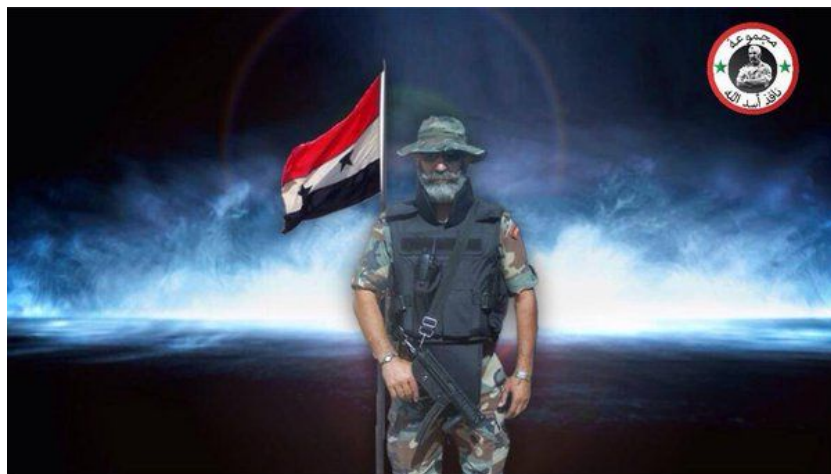


در ابتدای شروع جنگ داخلی در سوریه^(۱) زمانی که چگونگی روند حوادث روشن شد، دروزی‌ها سعی کردند موضع بی‌طرفانه اتخاذ نمایند. اعلام بسیج عمومی دولت در منطقه آنها که جلب ۳۰ هزار نفر به ارتش برنامهریزی شده بود، شکست خورد. حتی رهبر معروف دروزی‌های لبنان، ولید جنبلاط در آن دوره علیه بشار اسد موضع گرفت. افزون بر این، جنبلاط بدون رعایت جانب احتیاط هم‌اوائی خود با "مبارزه جبهه‌النصره علیه رژیم" که کمی بعد خود را بخشی از القاعده اعلام نمود، ابراز داشت. پس از آن او اعتراف کرد که به سبب این حمایت از پشتیبانی بسیاری از هموطنان دروزی خود محروم گردید. در نتیجه، آینده سیاسی خود وی در لبنان بسیار تردیدآمیز به نظر می‌رسد. برخی شیوخ دروزی در خود سوریه نیز با این توضیح که دروزی‌ها باید در جنگ برادرکشی^(۲) بی‌طرف بمانند، موضع محتاطانه

اتخاذ نمودند. با این حال منطق جنگ به سوئی رهنمون گردید، که گریز از آن ممکن نشد. دروزی‌ها زیر فشار همه گروه‌های مخالف قرار گرفتند. فقط دولت دمشق از آنها حمایت کرد.

دروزی‌ها خوب به یاد آوردند که چگونه گروه کوچک شبه‌نظامیان آنها - **تیپ سلطان الاطراش** در همان آغاز جنگ به "ارتش آزاد سوریه" پیوست، و بعد از آن به سبب "ارتداد مذهبی" "توسط جبهة النصره" نابود گردید. "ارتش آزاد سوریه"^(۴) تحت حمایت امریکا همراه با "النصره" بخش قابل ملاحظه‌ای از منطقه سویدا را اشغال کرد و در آنجا به پاکسازی قومی و دینی پرداخت، گروگان‌ها گرفت، دست به کشتار غیرنظامیان زد. جهادی‌ها در شمال ادلب در محدوده جبال سماک مشتمل بر ۱۸ قطعه آبادی، ۲۵ هزار نفر دروزی را با اجبار به قبول طریقت وهابی اسلام وادار نموده و آنها را به تخریب اماکن مقدس خود که در حکم مرگ است برای دروزیها، مجبور کردند. ضمن این، اراضی آنها را به اختیار ترکمن‌های تحت قیمومیت آنکارا سپردند. بیش از بیست نفر دروزی در ملاءعام اعدام گردید و بقیه به گرسنگی محکوم شد.

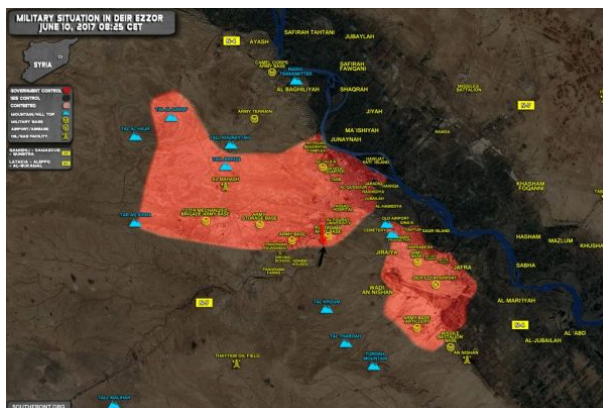
اکنون اکثریت قریب به اتفاق دروزی‌های سوریه به طور پیگیر و استوار در کنار دولت ایستاده‌اند. **سرای التوحید**، منسجم‌ترین میلیس در میان تشکیلات ملیشیبای وفادار آنها به دمشق، با دروزی‌های مخالف جنبلاط در لبنان مرتبط است. **جیش الموحدان** معروف ("ارتش مونوتنیست‌ها") عملاً متحد دمشق، به "همه گروه‌های مهاجم به سرزمین دروزها" اعلان جهاد داده است. **دیرالوطن** ("سپر میهن") فعال در سراسر کشور، در سویدا یک شعبه به سرپرستی شخصیت برجسته محلی طرفدار اسد - **شیخ یوسف یربو** دارد.



عصام زهرالدین

سرلشکر کاریزماتیک، **عصام زهرالدین** یکی از متنفذترین چهره‌های دروزی‌های سوریه، از جوانی یک کماندو بوده است. او فرماندهی تیپ ۱۰۴ گارد جمهوری محاصره شده در دیرالزور و پادگان شهری را به عهده دارد. در این کار فرزندش **یاروب** یاور اوست. در ضمن، بشار اسد تا قبل از آن که به ریاست جمهوری انتخاب شود، فرماندهی تیپ ۱۰۴ را بر عهده داشت. این تیپ که حملات مداوم داعش را در مدت سه سال با پایداری دفع کرده، بر اساس برخی شواهد، در مجموع از دروزی‌ها تشکیل یافته است. تعداد شبه‌نظامیان نابوده شده توسط این تیپ در سالهای محاصره (تا ۵ هزار نفر)، از شمار پرسنل خود تیپ دو برابر بیشتر است. و با گذشت هر روز دفاع قهرمانانه بر اعتبار تیپ تحت فرماندهی عصام زهرالدین افزوده می‌شود. این نبرد از نظر تیپ ۱۰۴ نه برای زندگی، که برای مرگ است:

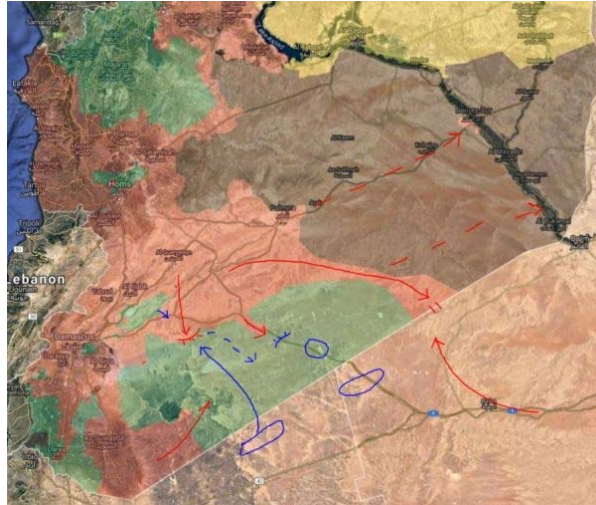
"رزمندگان آن بسیار خوب درک می‌کنند، که در صورت تسلیم به "کفار" و "مرتدان" نفرت‌انگیز داعش، چه سرنوشتی در انتظار آنهاست".



طراحان امریکائی که به طور معمول عملیات خود را به دقت طراحی می‌کنند، دروزی‌ها را آشکارا "به حساب نیاوردند". پنتاگون و ستاد سیار آن در امان در همه مدت جنگ در سوریه، جنوب را سمت اصلی تصور می‌کرد و منابع عمده‌اش را در این سمت متمرکز نمود. کردهای موفق در مبارزه را امریکائی‌ها در همین اواخر، اساساً در دوره ترمپ "کشف کردند". آنها همراه با ارتش آزاد دست‌نشانده با مانع دروزی‌های "نامشهود" برای خود در جنوب مواجه شدند.

حمله مخالفان با پشتیبانی مشورتی و اطلاعاتی امریکا، اسرائیل، عربستان سعودی، قطر و خود اردن از امان به جنوب در تابستان سال ۲۰۱۵ یک نقطه عطف در تهاجمات بود و به منظور اشغال مناطق قنيطرة، درعا و سویدا برای گشودن راه حمله به دمشق برنامه‌ریزی شده بود. ارتش دولتی در وضعیت دشواری قرار گرفت. دروزی‌ها آن را نجات دادند. واحدهای آنها مخالفان را ابتداء در کوه **حرمون** در قنيطرة تارومار نمودند و پس از چهار شبانه روز نبرد بلاوقفه پایگاه هوائی کلیدی **خلخله** در سویدا را آزاد کردند. دروزی‌های مقیم مناطق مسکونی **جرمانا** و **صحنایا** در حومه دمشق نقش مهمی در امر دفاع از پایتخت ایفاء کردند.

هجوم مخالفان بشدت تارومار شده در آن هنگام بتدریج رو به تحلیل گذاشت و تا زمان‌های اخیر در وضعیت **زوگزوانگ**^(۵) قرار داشتند. روشن است که در چنین وضعیتی، هر حرکتی به بدتر شدن موقعیت منجر می‌گردد. امریکائی‌ها از بیم خطر از جناح دروزی‌ها، ارتش به اصطلاح آزاد سوریه را در بهار سال ۲۰۱۷ نه از سمت شمال به طرف دمشق، بلکه، از طریق اردن به سمت شرق به طرف دیرالزور حرکت دادند. با این وجود، باز هم دچار اشتباه محاسباتی شدند. دروزی‌ها دست روی دست نگذاشتند و عملاً استان خود، سویدا را به طور کامل آزاد نمودند، نیروهای دولتی نیز اسلامگرایان را از شمال دور زدند. بر اساس برخی گزارشها، در این هنگام جنرال زهرالدین، الهام‌بخش همکیشان خود در اقدام قاطع که از دیرالزور با پرواز ویژه به "مرخصی" آمده بود، در اینجا به سر می‌برد. پس از بمباران ستون نیروهای دولتی در حال حرکت به سوی مرز عراق توسط امریکا، ارتش آزاد سوریه تلاش کرد مواضع دروزی‌ها در شرق سویدا در ناحیه **سد زولوف** را تصرف نماید، اما، با تحمل تلفات سنگین، به عقب‌نشینی باز هم بیشتر مجبور شد.



در مجموع در مرحله‌ی رو به پایان جنگ سوریه، هنگامی که کمبود منابع انسانی به کمبود اصلی همه طرف‌های خسته آن تبدیل می‌شود، نقش دروزی‌ها هر چه برجسته‌تر نمایان می‌گردد. قدرت بسیج مداوم آنها که آماده‌اند پشتوانه دولت قرار دهند، شامل ۳۰ هزار نفر رزمنده در همه خطوط می‌باشد. ناگفته نماند، کردها که در صحنه نظامی-سیاسی سوریه جزو "سنگین وزن‌ها" به حساب می‌آیند و به برکت وضعیت پیش‌آمده، بیش از ۲۰ درصد اراضی سوریه را تصرف کرده‌اند، از توان تسلیح همین تعداد ۳۰ هزار نفر برخوردار هستند. در سیمای تاکنون "پنهان" دروزی‌ها، در صحنه نمایش عامل بسیار وزینی مشاهده می‌شود، که همه طرف‌های جلب‌شده به مناقشه چه در داخل و چه در خارج از سوریه باید آن را به حساب آورند.

چند یادآوری مترجم

(۱)، (۲) و (۳) - ترجمه هر مطلب، به معنای تأیید همه مفاد آن نیست. به ویژه، مدعیاتی مانند: "جنگ قومی-مذهبی سوریه"، "جنگ داخلی در سوریه"، "جنگ برادرکشی در سوریه" را نه تنها من، (مترجم این مطلب)، بلکه، هیچ یک از شواهد و اطلاعات منتشره در طول شش جنگ استعماری علیه سوریه تأیید نمی‌کند. همانگونه که از لابه لای متن بالا پیداست، جنگ سوریه، هجوم تروریستی امپریالیسم جهانی به سردمداری امپریالیزم آمریکا برای تجزیه کشورهای منطقه، از جمله آنها، سوریه و عراق و به زیر استعمار درآوردن قطعات آنها می‌باشد، که زمان شروع آن از سالهای زیادی پیش برنامه‌ریزی شده بود. از قضا، لیبیا، عراق و سوریه جزو هفت کشوری بودند که جورج بوش صغیر منبع شر جهانی اعلام کرد.

(۴) - بر اساس هیچ سند و مدرکی نمی‌توان اثبات نمود که گروه‌های شبه‌نظامی-تروریستی نه فقط "ارتش آزاد سوریه"، حتی داعش، جبهه‌النصره، القاعده، نیروهای دموکراتیک کرد، ترکمن و نظایر آنها نیروهای مسلح جدا از ارتش‌های تروریستی آمریکا و ناتو هستند. آموزش، سازماندهی، تأمین تجهیزات، تسلیح گروه‌های تروریستی و پشتیبانی اطلاعاتی، مشورتی-نظامی، هوایی، مالی و تبلیغاتی از این گروه‌های مهاجم به کشور و مردم سوریه، همچنین، حملات مداوم ائتلاف ضد سوری به فرماندهی امپریالیزم آمریکا به واحدهای ارتش سوریه و پایگاه‌های آن در دیرالزور، قنيطرة، شعیرات و...، صحت این مدعا را تأیید می‌کند که همه این دستجات و گروه‌های تروریستی چه در سوریه و چه در هر کشور دیگر، بخشی از ارتش‌های تروریستی امپریالیسم جهانی به سردمداری امپریالیزم آمریکا هستند.

(۵)۔ زوگروانگ، مأخوذ از زبان چینی، وضعیت اکراهی در بازی شطرنج، که هر حرکتی در چنین حالت، موجب بدتر شدن موقعیت می‌گردد.

<https://www.fondsk.ru/news/2017/06/17/tajny-sirijskoj-vojny-druzskij-faktor-44170.html>

۳۱ خرداد - جوزا ۱۳۹۶